

برگردان: ا. م. شیری

آیا منتظر روشنگری باید بود؟

<http://sovross.ru/modules.php?name=News&file=article&sid=۵۹۷۷۳۳>

۱۱ سنبله ۱۳۹۳

چه اتفاق ناگهانی با جامعه جهانی افتاد؟ بیش از سه سال که تنها به دروغپردازی برعلیه حاکمیت قانونی جمهوری عربی سوریه مشغول بود و علاقمند نبود در باره جنایات باصطلاح «مخالقان سوریه» سخن بگوید یا بشنود، اما اکنون، پس از کشته شدن بیش از ۱۹۰ هزار نفر، تبدیل شدن بسیاری از شهرهای سوریه به ویرانه، تخریب اقتصاد و تضعیف نقش سوریه در عرصه جهانی، ناگهان به خود آمده، همین «مخالقان» را محکوم می کند.

در ضمن، اکنون هم جنایات فقط یک گروه، هر چند مؤثرترین آنها- «حکومت اسلامی عراق و شام» (داعش) را تقبیح می کنند. در صورتی که گروههای جنایتکار دیگری مانند «ارتش آزاد سوریه»، «جبهة النصره» (مرتبط با «القاعده»)، جبهه اسلامی و «بریگادهای» مختلفی از نوع «لواء التوحید» هم وجود دارند. اما یا آنها را «فراموش» می کنند و یا همه آنها را توجیه می نمایند.

در گزارش منتشره از سوی کمیسیون «بین المللی باصطلاح مستقل تحقیق حوادث سوریه» بسرپرستی پائولو پینیرو، که مثل همیشه، هم مظلوم را متهم می کند و هم ظالم را، توأم با متهم نمودن بحق داعش، ارتش سوریه را نیز که در جبهه های جنگ برعلیه داعش می جنگد، مقصر می شمارد.

در هر حال، جهت اصلی ضربه تهیه کنندگان گزارش این بار بر خلاف دفعات پیشین نه بسوی ارتش سوریه، بلکه، بسمت «داعش» متوجه شده است. این سند تأکید می کند که اوضاع مناطق تحت اشغال «اسلامگرایان» بشدت وخیم است. جنگجویان در آنجا به کشتارهای انبوه دست می زنند، زنان را بخاطر پوشش نامناسب به شلاق می بندند، کودکان را بمزدوری

می گیرند و اسیران خود را مورد آزار و شکنجه قرار می دهند. چنین اقداماتی را، بعقیده تهیه کنندگان گزارش، می توان در ردیف جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت دانست.

جنایات سایر گروههای «مخالف» در این گزارش فراموش شده است. در عوض، شواهدی دال بر سرازیر شدن مستمر جنگجویان به کشور که دولت سوریه از همان ابتدا بعنوان خطر بین المللی مورد تأکید قرار می داد، در این سند ذکر شده است. علاوه بر آن، در گزارش بر این مسئله تأکید می شود که برخی دولتها، و همچنین، برخی شخصیتها از تحویل تسلیحات به تروریستها جانبداری می کنند.

اما «نسخه» پیشنهادی کمیسیون چنان است، که قبل از همه منافع سوریه را تحت تأثیر قرار داده و تحریم تسلیحاتی بین المللی آن را پیشنهاد می کند. چنین پیشنهادی اما، دولت سوریه و گروههای مخالف آن را در یک ردیف برابر قرار می دهد. بویژه اینکه، این پیشنهاد در عمل بمعنی تشدید تحریمها برعلیه دمشق خواهد بود. در همین حال، تروریستها بی توجه به تصمیمات و موانع بین المللی و با حمایت حامیان خود تسلیحات لازم را از راههای غیررسمی تحویل خواهند گرفت.

باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا جنگجویان «داعش» را ناگهان وحشی خواند. اما رئیس جمهور آمریکا فقط این مسئله را فراموش می کند که «حکومت اسلامی» صفوف خود را بحساب خود وی که یک سال قبل حاضر بود حتی با حمله نظامی گسترده به سوریه از آن پشتیبانی نماید، تکمیل کرد. این گروه در نتیجه کمکهای «کشنده» و «غیرکشنده» که او شخصا دستور تحویل آنها به «مخالفان» را صادر کرد، قدرت گرفت.

در آنکارا، در عین حال، سناریوی مراسم تحلیف یکی از دشمنان اصلی سوریه- رجب طیب اردوغان به روی صحنه رفت. مراسم با جنجال آغاز گردید. مسئله این است که اردوغان قبل از اینکه سوگند ریاست جمهوری یاد کند، می بایستی از مقام نخست وزیری کناره گیری می نمود، اما برای او، مثل همیشه، قانون، قانون نیست. نمایندگان حزب مخالف، حزب جمهوری خلق این مسئله را مطرح ساخته و اعلام کردند تا زمانیکه اردوغان قانون اساسی را زیر پا می گذارد، مراسم تحلیف نمی تواند برگزار شود. جمیل چیچک، رئیس مجلس، اما، تصمیم دیگری گرفت و در پاسخ به اعتراض مخالفان، تالار مراسم را ترک کرد.

عجیب است که «جامعه جهانی» در مقابل انتخاب اردوغان و عمل غیرقانونی او هیچ واکنشی نشان نداد. زمانیکه بفرمان او در میدان تقسیم مردم را کشتند، نارضایتی جهانی، البته که بسیار ناچیز و مطلقا قابل مقایسه با تبلیغات زهرآگینی نبود که بر علیه سوریه و رئیس جمهور قانونی آن براه انداختند.

اما اقدام غیرقانونی اردوغان از نظر واشنگتن و متحدان آن مسئله مهمی نبود. اگر آمریکا می خواست واقعا با تروریسم مبارزه کند، باید پایگاههای آموزشی تروریستها در خاک ترکیه را که رژیم اردوغان در جنوب کشور دایر کرده است، مورد حمله قرار می داد.

احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه سابق، همان فردی که اظهار داشت: «در هر حالتی، داعش یک سازمان تروریستی نیست» و قرار بود «مشکلات صفر با همسایگان» را برای رژیم اردوغان حل نماید، به نخست وزیری ترکیه برگمارده شد.

آمریکا و اروپا سعی می کنند نقش مخرب ترکیه در مناقشات سوریه را نادیده بگیرند. زیرا زمانی که باید اذعان نمایند که یکی از اعضای کلیدی ناتو به کارگاه تولید انبوه تروریستهای مقصر در جنایات دهشتناک تبدیل شده است، البته، موضعی غیر از این هم نمی توانند بگیرند.

وحشیگری همه انواع باندهای «مخالف» در سوریه ادامه دارد. ۲۶ ماه اوت در جاده بین بلودان واقع در حومه پایتخت و الزابدانی اتوموبیل حامل فواز اسماعیل و نبیل علاءالدین، اعضای کمیته آشتی ملی و همچنین راننده اتوموبیل هدف تیراندازی قرار گرفت و همه آنها کشته شدند. در اثر تیراندازی تروریست تک تیرانداز یک عابر موتور سیکلت سوار در بزرگراه در نزدیکی حرستا بشدت زخمی شد.

۲۸ ماه اوت سراسر مناطق مرکزی دمشق را دود فراگرفت. تروریستها چندین منطقه پایتخت و حومه آن را هدف بمباران خمپاره ای گسترده قرار دادند. یک کودک ۱۲ ساله نیز جزو کشته شدگان بود.

چنین جنایاتی که عملا همه روزه اتفاق می افتد، توجه کمیسیون های مختلف را بخود جلب نمی کند. اما بعید است که «جامعه جهانی» بتواند این جنایات را نادیده بگیرد. ۲۸ ماه اوت تروریستها در جولان اشغالی سوریه ۴۳ نفر از اعضای نیروهای حافظ صلح مشغول خدمت در

خط جدایی را ربودند. لازم به تأکید است، که در آن منطقه آنقدرها که «مخالقان میانه رو» مورد نظر آمریکا فعال هستند، داعش فعال نیست.

وزارت خارجه سوریه طی بیانیه خود آزادی فوری افراد ربوده شده را خواستار شد و مسئله پایان دادن به تسلیح همه گروههای تروریستی را مجدداً مطرح کرد.

ملاحظات مترجم:

همه تجزیه و تحلیلها، تحقیق و بررسی های کارشناسانه ثابت می کنند، که منشاء و مبداء «اسلام سیاسی» ترکیه، مصر، تونس، لیبی، سوریه، عراق، افغانستان و سایر کشورهای منطقه اسلامی، رژیمها و دولتهای غربی گرفتار در گرداب بحران همه جانبه سامانه بی سامان سرمایه داری، بخصوص، رژیمهای فوق ارتجاعی آنگلو ساکسونی هستند. همچنین بی هیچ بحث و توضیح اضافی واضح است که همه گروهها و دستجات جنایتکاران سازمان یافته مانند تروریستهای «اسلامی» القاعده، داعش، جبهه النصره، طالبان، بوکوحرام، اخوان المسلمین، لواء التوحید، جندالله و بطور کلی، تمامی دستجات «جهادگرا»، محصول و فراورده سازمانهای امنیتی- تروریستی غرب بوده و بعنوان نیروهای جایگزین نظامیان امپریالیستیهای آمریکا و اتحادیه اروپا برای تداوم حضور نامشروع آنها در منطقه «جهاد» می کنند.

با این وصف، فراموش نمی توان کرد زمانی را که نظریه پردازان و طراحان امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱ جوانان منطقه نفتخیز و دارای اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و شمال آفریقا را به انجام «انقلابات رنگی»- تروریستی تحریک نمودند، حوادث تونس، مصر، یمن، حمله نظامی به لیبی و سوریه را سازماندهی، مدیریت و هدایت کردند، رسانه ها و مقامات رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران غافل از اینکه «آفتاب حقیقت تا ابد پشت ابر نمی ماند»، هیاهوی تبلیغاتی وسیعی را تحت عنوان «بیداری اسلامی» براه اхتند. اما، طولی نکشید که نور حقیقت بر جوانب تاریک و پنهان حوادث آن سالها پرتو افکند و همه آن هیاهو و فریادهای «اسلامخواهی» جناحهای مختلف رژیم حاکم بر کشور ما به یکباره فروخوابید. بنظر می رسد این درس بود که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران «از گذشت روزگار» بخوبی آموخت و توحش بی سابقه گروههای آدمخوار تکفیری، سلفی، وهابی در عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه را «بیداری اسلامی» تعریف نکرد.

با این حساب، انتظار می رود رژیم جمهوری اسلامی ایران با کاربست عملی این درس مهم «روزگار» و با درک مسئولیت خود در قبال امنیت، ثبات و تمامیت کشور، همه موانعی را که در راه اتحاد و همدلی جامعه و نیروهای ترقیخواه کشور ایجاد کرده است، بلادرنگ از میان بردارد، که خود این، بیانگر مبارزه جدی آن با امپریالیسم و لازمه مبارزه با تروریسم دولتی غرب بسرکردگی آمریکاست.